



Woman in Development and Politics

An Exploration of Parenting Stereotypes among Mothers Who Have Experienced Divorce under the Auspices of the Imam Khomeini Relief Committee: A Qualitative Study

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Divorce, Divorced Parents,

Myths, Parenting, Parenting

Myths.

The objective of this study was to identify and ascertain the parental beliefs of mothers who have experienced divorce in Kermanshah city. The research was conducted qualitatively and with a phenomenological approach. To achieve this purpose, 10 mothers who had experienced divorce and were responsible for their children were selected through non-random targeted sampling. These mothers were also under the support of the Imam Khomeini Relief Committee in Kermanshah city. Data were collected through in-depth interviews. Three primary themes were identified after the analysis and coding of the interview data. These themes include the mythical parent, mythical child, and the legend of hassle-free separation. Additionally, six sub-themes were identified, including compulsory communication, conditional communication, empowered parent, parental role requirements, social idealism, and child role requirements. Ultimately, the fulfillment of parental myths will result in widespread stress and tension among mothers, which can lead to specific psychological problems such as depression in parents, which in turn can lead to ineffective parenting. Additionally, parental myths will serve as a criterion for judging and evaluating other divorced parents, as well as a criterion for measuring the sense of adequacy and success of mothers with divorce experience.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press.



زن در توسعه و سیاست

واکاوی اسطوره‌های والدگی از منظر مادران دارای تجربه طلاق تحت پوشش کمیته امداد امام

خمینی: یک مطالعه کیفی

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تعیین اسطوره‌های والدگری مادران دارای تجربه طلاق در شهر کرمانشاه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفت. به این منظور ۱۰ نفر از مادران دارای تجربه طلاق که سرپرستی فرزندان خود را برعهده داشتند و تحت پوشش نهاد حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه بودند، به شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق صورت گرفت. پس از تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه، سه مضمون اصلی والد اسطوره‌ای، فرزند اسطوره‌ای و افسانه جدایی کم‌درسر، به همراه شش مضمون فرعی ارتباط اجباری، ارتباط مشروط، والد توانمند، بایدهای نقش والدینی، ایدئال‌گرایی اجتماعی و بایدهای نقش فرزندی استخراج شدند. اسطوره‌های والدگری به معیاری برای سنجش احساس کفایت و موفقیت مادران دارای تجربه طلاق و همچنین معیاری برای داوری و قضاوت سایر والدین طلاق می‌شود. از سوی دیگر باورهای اسطوره‌ای ابزاری برای مادران می‌شود که نقش مؤثر خود را در والدگری برخلاف نقش همسری ابراز کنند. درنهایت نیز برای تحقق اسطوره‌های والدگری، استرس و تنش فراگیر در مادران ایجاد می‌کند؛ تنشی که می‌تواند مشکلات روان‌شناختی خاصی مانند افسردگی در والدین را ایجاد کند. این امر نیز بیش از قبل می‌تواند سبب ناکارآمدی در ایفای نقش والدینی شود.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت:</p> <p>تاریخ بازنگری:</p> <p>تاریخ پذیرش:</p> <p>تاریخ انتشار:</p> <p>کلیدواژه‌ها: اسطوره‌ها، اسطوره‌های والدگی، طلاق، والدین طلاق، فرزندپروری.</p>
<p>© نویسندگان.</p>	<p>استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.</p> <p>DOI: http://doi.org/00000000000000000000000000000000</p>
<p>DOI: http://doi.org/00000000000000000000000000000000</p>	<p>ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.</p>



۱. مقدمه

خانواده بستر تمام شئون اجتماعی و خاستگاه افرادی است که با جسم و اندیشه‌ای سالم چرخه حیات جامعه را به گردش درآورده‌اند و نهادی پویا است که همواره در معرض تغییرات معنایی، ساختاری و کارکردی است (Firouzjaeian et al., 2018: 112). یکی از رایج‌ترین تغییرات ساختاری در خانواده را می‌توان طلاق در نظر گرفت. طلاق جدی‌ترین چالشی است که خانواده و به‌طور کلی جامعه با آن روبه‌رو است (Shahryari & Navah, 2022: 98). طلاق را حادثه‌ای پیش‌بینی‌نشده در خانواده می‌پندارند که بر هر یک از اعضای خانواده در زمان‌های مختلف و به روش‌های متفاوت تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را از مسیر رشد عادی منحرف می‌سازد. افزایش میزان طلاق بعد جهانی دارد و علاوه بر جوامع غربی، در سایر جوامع مانند ایران به شکل نگران‌کننده‌ای در حال گسترش است (Babaei et al., 2022: 218; Loo, 2023: 23).

بررسی آمار طلاق‌های ثبت‌شده در استان‌های ایران حاکی از آن است که میزان طلاق در استان کرمانشاه به مرز بحرانی رسیده و سیر صعودی آن در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال‌های قبل قابل ملاحظه بوده است. به این معنا که در پنج سال اخیر میزان ازدواج در استان کرمانشاه کاملاً رو به کاهش بوده، اما میزان طلاق به نسبت کاهش ازدواج تغییری نکرده است. این آمار به دو دلیل حائز اهمیت است. نخست آنکه نرخ ازدواج ثبت‌شده در این استان کاهش شدیدی یافته است (Moradi & Mirzaei, 2023: 419). دوم آنکه بافت فرهنگی-اقتصادی حاکم بر کرمانشاه، از استان مذکور موقعیتی با ناهمگونی زبانی، قومیتی و اجتماعی ساخته که بیش از سایر استان‌ها در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارد. به این ترتیب و در صورت عدم توجه به تأثیرات آن، طلاق ثبت‌شده در استان مذکور بیش‌ازپیش می‌تواند آثار سوئی بر فرزندان و والدین به‌جای بگذارد.

هانگ (۲۰۲۲: ۶۴۸) در مطالعه والدین دارای تجربه طلاق دریافت که یکی از مهم‌ترین مشکلات آنان در حوزه فرزندپروری است. همچنین یافته‌های مطالعات مؤید آن است که یکی از چالش‌های اساسی که والدین بعد از طلاق با آن مواجه خواهند شد، مسائل فرزندپروری (Gass & Mortelmans, 2020: 1928; Junang, 2013: 1) و چگونگی ایفای نقش والدینی آن‌ها است (Hung, 2022: 650). به‌نظر می‌رسد الگوهای فرزندپروری والدین مطلقه می‌تواند متأثر از اسطوره‌های والدگری باشد.

اسطوره از نظر لغوی به معنای خیال یا افسانه غیرواقعی است. فرای^۱ بر این باور است که اسطوره به ساده‌ترین و معمول‌ترین معنا، نوعی داستان است (Zinalabedini & Vahedi, 2022: 59). در یونان باستان اسطوره را داستانی غیرواقعی دانسته‌اند. در نتیجه اسطوره نوعی باور است که براساس حقایق موجود پذیرفته نمی‌شود (Karimi & Shaikhi, 2023: 19). از سوی دیگر در قرآن کریم از اساطیرالاولین نام برده شده و مقصود از آن افسانه‌ها و نوشته‌های پیشینیان است. قرآن در تمامی آیات در پی اثبات حقایقی است که اسطوره نیست و دلیل اینکه افراد چنین برچسبی به آن زده‌اند، کفر است (Javadi, 2012: 121).

اسطوره‌ها حاوی داستان‌ها و باورهای متنوعی است که از نظر فرهنگی برای هر قشر یا جامعه مهم و نیز منحصر به فرد است (Delgado, 2022: 238). اسطوره‌ها بر نحوه حضور فرد در دنیا تأثیر می‌گذارند و فعالانه زندگی فرد را شکل می‌دهند. همچنین سبب می‌شوند افراد تجربه‌های زندگی خود را با آن‌ها ادغام کنند (Cajete, 2017: 121).

از ویژگی اسطوره‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. شناسایی اسطوره‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست؛ چرا که کاملاً طبیعی می‌نمایند؛ ۲. همه افراد دارای یک اندیشه یا باور اسطوره‌ای هستند؛ ۳. اسطوره‌ها بعد تمام و کامل هر چیزی را هدف قرار می‌دهند؛ ۴. اسطوره‌ها ناخودآگاه در ذهن افراد شکل می‌گیرند؛ ۵. اسطوره‌ها دارای کارکردهای فراوان در ابعاد مختلف زندگی هستند (Petani & Jurina, 2022: 183) که از جمله این کارکردها ایجاد الگوهای رفتاری والدگرانه است (Seydi et al., 2016: 191)؛ بنابراین با توجه به معانی و برشمردن ویژگی‌های اسطوره‌ها می‌توان اسطوره در کارکرد والدگری را به این شکل تعریف کرد: اسطوره‌های والدگری به‌صورت ناخودآگاه در ذهن افراد شکل می‌گیرد. اسطوره‌های والدگری ایدئال ذهنی، افراطی و فراگیر با موضوع فرزندپروری و فرزند کامل است و سهم عمده‌ای در شکل‌دهی به سبک فرزندپروری و نحوه برخورد والدین با فرزندان ایفا می‌کند. اسطوره‌های والدگری می‌تواند مانعی اساسی برای ایفای نقش والدینی باشد؛ چرا که متمرکز بر مفاهیمی از قبیل والد خوب و الگوهای برتر تربیت فرزندان است (Seydi et al., 2016: 193).

با وجود اهمیت و حساسیت نقش اسطوره‌های والدگری در بحث فرزندپروری، متون و منابع پژوهشی موجود فقط به بررسی و تعیین اسطوره‌ها از نگاه والدینی که طلاق را تجربه نکرده‌اند، پرداخته‌اند. به همین سبب شناسایی این متغیر از جانب والدین دارای تجربه طلاق، مغفول مانده است. از یک سو دیگر شرایط اجتماعی آسیب‌زا در کرمانشاه، والدین دارای تجربه طلاق را در وضعیت بی‌ثباتی از منظر مهارت‌های فرزندپروری قرار داده است. از سوی دیگر والدین متوجه نقش پررنگ اسطوره‌های ذهنی خود در تربیت فرزندان نیستند و تمرکز بر عامل‌های خارجی را متوجه ناکامی یا شرایط دشوار در تربیت فرزندان می‌دانند؛ بنابراین پژوهش حاضر به روش پدیدارشناسی اسطوره‌های والدگری را از منظر مادران دارای تجربه طلاق شناسایی می‌کند. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر در پی کاوش و استخراج اسطوره‌های والدگری مادران مطلقه در استان کرمانشاه است.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه نظری

اجتماع و فرهنگ در ادوار مختلف تاریخی از تغییر و تحولات مصون نمانده‌اند؛ خانواده نیز متأثر از فرهنگ حاکم بر آن با تحولاتی روبه‌رو بوده است که می‌توان از آن تحت عنوان تبدیل نظام پدرسالاری به نظام فرزندسالاری نام برد. در فرهنگ فرزندسالاری، فرزندان نقطه کانونی همه مناسبات درون و برون خانوادگی می‌شوند. والدین نیز به شکل وسواس‌گونه و بی‌اختیار تکالیف و وظایف مربوط به فرزندان خود را انجام می‌دهند. دلیل چنین رفتارهای آمیخته به وسواسی این است که باور دارند اگر وظایفشان را درست و کامل انجام ندهند، فرزندانشان هزینه اشتباهات آنان را خواهند پرداخت. در چنین شرایطی ارزش فردی و شخصی والدین به شکل بسیار ملموسی با وضعیت فرزندان گره می‌خورد. والدین نیز بر این عقیده هستند که شکست در تربیت فرزندان، به مثابه شکست آن‌ها و موفقیت در تربیت فرزندان به مثابه موفقیت و خوشبختی آنان است (Schafer, 2008: 21).

فرهنگ فرزندسالاری، وسواس در انجام دادن تکالیف و وظایف، گره خوردن ارزش‌های شخصی به فرزندان، باورها و عقاید جزئی، همگی می‌تواند حکایت از بروز و حضور اسطوره‌های ذهنی در حیطه والدگری باشد؛ اسطوره در فرهنگ‌های متفاوت دارای معانی مختلف است، اما به‌طور کلی می‌توان گفت اسطوره باوری است که به‌عنوان حقایق انکارناپذیر پذیرفته می‌شود (Larson, 1988: 7).

اسطوره‌ها ویژگی‌های متفاوتی دارند. اسطوره‌های آموخته‌شده اکتسابی هستند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (Parrott, 2008: 17). از دیگر ویژگی‌های اسطوره‌ها آن است که دارای ابعاد کارکردی هستند. به این معنا که ناشی از حوادث و اعمالی هستند که به الگو و سرمشقی برای استفاده سایر عموم بدل می‌شوند. به بیان دیگر اسطوره‌ها شامل راهبردهایی برای کاربست در زندگی روزمره افراد هستند (Herren et al., 2013: 55). از دیگر ویژگی‌های اسطوره‌ها می‌توان به جنبه تمام و کمال یا تمامیت‌خواهی آن‌ها اشاره کرد. اسطوره‌ها به دنبال دست‌یافتن به تمامیت هر چیزی هستند، به موارد خرد یا جزئی رضایت نمی‌دهند و افراد را در دام کامل‌بودن گرفتار می‌کنند (Pantley, 2007: 28). با توجه به توضیحات فوق می‌توان اسطوره‌های والدگری را به این شکل تعریف کرد: ایدئال‌های ذهنی، افراطی و فراگیر در زمینه فرزندپروری و فرزند کامل که سهم عمده‌ای در شکل‌دهی به سبک فرزندپروری و نحوه برخورد والدین با فرزندان ایفا می‌کند (Seydi et al., 2016: 189).

مطالب فوق از اهمیت اسطوره‌های والدگری در فرزندپروری والدین حکایت دارد. جدا از جایگاه اسطوره‌های والدگری والدینی که طلاق را تجربه نکرده‌اند، بررسی این اسطوره‌ها از دیدگاه والدین مطلقه که به شکل‌های مختلفی با چالش‌های فرزندپروری در ترکیب جدید از خانواده دست‌وپنجه نرم می‌کنند حائز اهمیت است. پژوهش حاضر باورهای ذهنی افراطی و فراگیر را در مادران دارای تجربه طلاق که عموماً حضانت قانونی و سرپرستی فرزندان خود را برعهده دارند، بررسی می‌کند.

۲-۲. پیشینه تجربی

محققان در پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه اسطوره‌های والدگری دریافته‌اند که در زمینه فرزندپروری، عناوین برجسته‌ای در خانواده‌های آسیایی وجود دارد که متمرکز بر رفاه کودکان و نوجوانان است. تمرکز بیش‌ازحد بر رفاه کودکان در خانواده روابط والد-فرزند را در موقعیت پیچیده قرار داده است. از جمله این باورها می‌توان به مادران بیرگونه اشاره کرد (Qin & Park, 2013: 1). پژوهشگران دریافته‌اند که

اسطوره‌های والدگری هنگامی که فرزندان پا به خانواده می‌گذارند، به‌طور جدی فعال و برانگیخته می‌شوند و علت آن آرزوی والدین برای دستیابی به پروتکلی جامع و ساختارمند به‌مثابه یک راهنما در حوزه فرزندپروری است. همچنین اسطوره‌های والدگری مبتنی بر تجارب نسل‌های قبلی و بر پایه فرضیات غیرواقعی درباره فرزندان است که مانع شناخت واقعی توانمندی‌ها و شخصیت فرزندان می‌شود (Petani & Jurina, 2022: 177).

کاظمی و عمرانی (۲۰۱۹) نشان دادند اسطوره‌های والدگری در ارتباط متقابل با رضایت از زندگی در والدین وجود دارد. به این معنا که حضور اسطوره‌های والدگری موجب فشار و خستگی جسمی بسیار زیادی برای والدین می‌شود اما با توجه به نقش تأثیرگذار و پررنگ فرهنگ ایرانی، تحقق اسطوره‌های ذهنی می‌تواند موجب رضایت از زندگی در والدین شود (Kazemi & Emrani, 2019: 261). سیدی و همکاران (۲۰۱۶) در قالب یک پژوهش منسجم موفق به شناسایی اسطوره‌های والدگری از منظر والدین عادی شدند. مطابق یافته‌ها، اسطوره‌ها با ابعاد مختلفی در نظام شناختی آن‌ها در ارتباط است و بدل به معیاری برای عملکرد والدین شده است. نکته شایان توجه آن است که والدین نمی‌توانند هیچ‌گاه به‌طور تمام و کمال به انتظارات و آرمان‌های خود در تربیت فرزند دست یابند؛ بنابراین تجربه والدگری آن‌ها همراه با استرس و احساسات ناامیدکننده است (Seydi et al., 2016: 188).

نکته حائز اهمیت در یافته‌های مطالعات مؤید آن است که شناسایی اسطوره‌های والدگری برای والدین امر سهل‌الوصولی نیست؛ چرا که آن‌ها متوجه حضور پررنگ این باورهای ذهنی در رفتار و افکار خود نیستند و هرگونه شکست در فرزندپروری را ناشی از عوامل بیرونی می‌دانند. به بیان پلوگ و همکاران (۲۰۱۲) برخی از اسطوره‌های ذهنی والدین که تاکنون شناسایی شده‌اند، برگرفته از تجارب مشاوره‌ای با والدین و نه براساس مطالعات نظام‌مند هستند (Ploeg et al., 2012: 277).

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش‌های پیشینه نظری و پژوهشی، به‌نظر می‌رسد در مطالعات پیشین درباره اسطوره‌های والدگری از منظر والدین دارای تجربه طلاق و بیهویزه مادران مطلقه که با توجه به فرهنگ ایرانی عموماً بعد از طلاق حضانت و سرپرستی فرزندان خود را عهده‌دار هستند، دچار کمبود هستیم. با توجه به آنکه تاکنون هیچ مطالعه‌ای به‌صورت نظام‌مند اسطوره‌های ذهنی والدگری را از منظر والدین مطلقه واکاوی نکرده است، پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که اسطوره‌های ذهنی والدگری از منظر مادران مطلقه چیست.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی از نوع پدیدارشناسی انجام گرفت. برای درک عمیق اسطوره‌های ذهنی والدگری راهی جز روش پدیدارشناسی وجود نداشت. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه مددجویان خانم مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی ناحیه ۳ شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۴ بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای شرکت در مطالعه شامل طلاق، داشتن دست‌کم یک فرزند، برعهده‌داشتن حضانت قانونی فرزندان، سپری‌شدن دست‌کم شش ماه از طلاق، تمایل و آمادگی برای مشارکت در پژوهش، توانایی انتقال اطلاعات و رضایت آگاهانه کتبی بود. ملاک تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان رسیدن به اشباع بود. در این پژوهش اشباع داده‌ها در هفت مصاحبه تحقق یافت، اما برای اطمینان با سه مشارکت‌کننده دیگر مصاحبه انجام گرفت. هر مصاحبه ۳۰ تا ۵۰ دقیقه به طول انجامید. در آغاز هر مصاحبه، هدف از مصاحبه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. همچنین درباره محرمانه‌ماندن اطلاعات اطمینان داده شد و در صورت رضایت، صدای شرکت‌کنندگان ضبط شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و سؤال‌های بازپاسخ استفاده شد، مانند: ۱. از نظر شما مادر ایدئالی که طلاق گرفته چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۲. بهترین رفتاری که می‌توانید به‌عنوان مادر مطلقه با فرزندتان داشته باشید، چیست؟ به‌منظور اطمینان از اعتبار داده‌ها و شبکه مضامین به‌دست‌آمده، کدهای مبهم مستخرج از داده‌ها با شرکت‌کنندگان بررسی شد تا نویسندگان و شرکت‌کنندگان به انطباق در کدهای استخراج‌شده دست یابند. برای تأیید نهایی اعتبار داده‌های پژوهش، مضامین استخراج‌شده در اختیار استادان این حوزه قرار داده شد و به تأیید آنان رسید.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های توصیفی

شرکت‌کنندگان این پژوهش ده نفر از زنان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی با میانگین سنی ۴۰/۴ سال بودند که دست‌کم شش ماه از زمان طلاق آن‌ها سپری شده بود. بیشتر آن‌ها دارای یک فرزند بودند که حضانت قانونی برعهده آنان بود (جدول ۱).

جدول ۱. مشخصات شرکت‌کنندگان در مصاحبه

کد	جنسیت	سن	تعداد فرزندان	جنسیت فرزندان	زمان سپری شده از طلاق	علت طلاق
۱	زن	۳۸	۲	دختر	۱۰ سال	اعتیاد
۲	زن	۳۲	۲	دختر-پسر	۶ ماه	اعتیاد
۳	زن	۴۸	۴	سه دختر- یک پسر	۱۵ سال	اعتیاد
۴	زن	۲۷	۱	دختر	۸ ماه	اعتیاد
۵	زن	۵۲	۲	دختر-پسر	۲ سال	خیانت-اعتیاد
۶	زن	۴۹	۱	دختر	۲۰ سال	اعتیاد-خیانت
۷	زن	۴۳	۱	پسر	۱۵ سال	خیانت
۸	زن	۵۳	۲	دختر-پسر	۱۵ سال	اعتیاد-خیانت
۹	زن	۳۳	۱	پسر	۱ سال	اعتیاد
۱۰	زن	۲۹	۱	پسر	۴ سال	اعتیاد

۲-۴. یافته‌های مطالعه

پس از تحلیل و کدگذاری داده‌ها، سه مضمون اصلی و شش مضمون فرعی استخراج شد که شرح آن‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. مضامین استخراج شده از داده‌های کیفی

ردیف	مضامین اصلی	مضامین فرعی
۱	فرزند اسطوره‌ای	ایدئال‌گرایی اجتماعی بایدهای نقش فرزندی تربیت موفق
۲	والد اسطوره‌ای	ارتباط اجباری ارتباط مشروط والد توانمند
۳	افسانه جدایی کم‌دردر	بازگونکردن مشکلات نادیده‌انگاری گذشته تنش‌زدایی از رابطه با همسر سابق

۱-۲-۴. فرزند اسطوره‌ای

تربیت فرزندان یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال دشوارترین اموری است که برعهده والدین مطلقه است (Oren & Hadomi, 2020: 160). در مصاحبه‌ها افراد بر موفق بودن و الزام تربیت موفق تأکید داشتند (۷ نفر). به نظر شرکت‌کنندگان، تربیت موفق شامل دو بعد ایدئال‌گرایی اجتماعی و بایدهایی در رفتار از سوی فرزندان است. شرکت‌کننده ۵ اظهار کرد: «بچه‌ها باید توی جامعه خوب بار بیان و پست و مقامی داشته باشن تا کسی اسمشونو بد نیاره.» همچنین آن‌ها بر این باور بودند که تربیت موفق از طریق همکاری فرزندان تحقق می‌یابد. به این صورت که لازم است که نقش‌های فرزندی خود از جمله همکاری با والد سرپرست، جدیت در رعایت قوانین، دوستیابی تأییدشده، الزام به قدرشناسی و شکیبایی را به‌خوبی ایفا کنند؛ برای مثال، شرکت‌کننده ۷ بیان کرد: «بچه‌هام باید با پدر و مادرشون همکاری کنن؛ مثلاً به

قانون خونه احترام بذارن یا با اون دوست‌هایی که مادرشون تأیید می‌کنه نشست و برخاست کنن.»

۲-۲-۴. والد اسطوره‌ای

یکی دیگر از باورهای اسطوره‌ای که مادران مطرح کردند، والد اسطوره‌ای است که شامل ارتباط اجباری، ارتباط مشروط، والد توانمند و بایدهای نقش والدینی است. ارتباط اجباری و ارتباط مشروط شامل دو بعد ارتباطی والد-فرزند و والد-والد است. در این ابعاد، مادران مطلقه بر این باور اسطوره‌ای هستند که ارتباط والد با فرزند طلاق باید متفاوت با سایر فرزندان باشد. به این صورت که در این ارتباط والدین بر گفت‌وگوی تمام‌نشده، هشدار دوستانه، آرام‌بخشی افراطی، الزام در شکل‌گیری رفاقت، ترحم فرزند طلاق و... تأکید دارند (۶ نفر). یکی دیگر از ابعاد ارتباطی، ارتباط میان والدین و فرزندان است که از سوی مادران سرپرست، مشروط در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا مادران سرپرست بر این باور هستند که مهم‌ترین عنصر در تربیت فرزندان مادر است. شرکت‌کنندگان ۳ و ۸ اظهار کردند: «مادر ستون خونه‌ست» یا «بچه بدون پدر یتیم نمی‌شه، اما بدون مادر یتیم می‌شه». اما مادران توضیح دادند که به دلیل دشواری در تربیت، مایل به پذیرش مشروط پدران در زندگی فرزندان خود هستند و ترجیح بر آن است که پدران در زمینه نیازهای مالی کوشش خود را به کار ببندند (۹ نفر). در تبیین چرایی اسطوره‌بودن ارتباط مشروط با والد غیرسرپرست می‌توان گفت اگر تمامی مسئولیت و وظایف تربیت فرزندان فقط برعهده یکی از والدین قرار گیرد، سبب برگزیدن رفتارهایی غیرواقعی مانند انحصار دغدغه، خودمحرورسازی مفرط، ترحم فرزند طلاق و... در مادر سرپرست می‌شود. همچنین موجب می‌شود والد سرپرست فقط با ملاک‌ها و معیارهای جامعه‌پسند خود را ارزیابی کند. درنهایت مادر سرپرست از تمامی توانایی خود در جهت والدگری تمام‌عیار استفاده می‌کند.

یکی دیگر از ابعاد والد اسطوره‌ای و همچنین از مهم‌ترین اسطوره‌هایی که شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها به آن اشاره کردند و سبب نوعی والدگری تمام‌عیار و افراطی در والدین مطلقه می‌شود، شامل دو بخش والد توانمند و بایدهای نقش والدینی است (۸ نفر). از آن جمله می‌توان به خودمحرورسازی مفرط، تمرکز مفرط بر فرزند، اضطراب آینده، نادیده‌انگاری گذشته و... اشاره کرد؛ برای مثال شرکت‌کننده ۵ گفت: «من توجه صددرصدم به بچه‌مه. چون پدرش بی‌مسئولیت بوده، من نباید بی‌مسئولیت باشم و باید به فکر آینده‌ش باشم؛ چون با بقیه بچه‌ها متفاوت.»

۳-۲-۴. افسانه جدایی کم‌دردسر

مضمون دیگری که شرکت‌کنندگان به آن اشاره کردند، افسانه جدایی کم‌دردسر بود (۷ نفر). تعریف جدایی کم‌دردسر به سه مؤلفه بازگونکردن مشکلات، نادیده‌انگاری گذشته و تنش‌زدایی از رابطه با همسر سابق اطلاق می‌شود. در افسانه جدایی کم‌دردسر، مادران مطلقه تأکید صریح و مستقیمی بر تعارض‌های قبل از طلاق و بعد از طلاق داشتند و تمامی سعی شرکت‌کنندگان بر ارائه مفهوم جدایی با کمترین دردسر بود. مادر ۴۹ ساله‌ای در این زمینه گفت: «مادر باید تمام مشکلاتی که با پدر داشته نگه و بازگو نکنه.» به این ترتیب با آگاهی فرزندان از مشکلات، تعارض‌های بعد از طلاق همچنان ادامه خواهد یافت. در ادامه مادر ۴۳ ساله‌ای بیان کرد: «والدین که جدا شدن، باید با احترام با هم صحبت کنن که تأثیرات طلاق کم بشه.» این امر به تنش‌زدایی از رابطه با همسر سابق اشاره دارد که به ایجاد تصویر مناسبی از طلاق در ذهن فرزندان می‌انجامد. در تبیین چرایی اسطوره‌بودن افسانه جدایی کم‌دردسر می‌توان این‌گونه استدلال کرد که والدین مطلقه از تأثیرات و آسیب‌های ناشی از طلاق بر فرزندان خود آگاه هستند (Oren & Hadomi, 2020: 161)، اما براین باورند که از طریق طلاق احترام‌آمیز و کمتر متعارض می‌توانند به شیوه‌هایی غیر از تربیت و ارتباط افراطی، از فرزندان خود در برابر آسیب‌های طلاق محافظت کنند (Camisasca et al., 2017: 521).

۵. بحث

در پژوهش حاضر هدف آن بود که اسطوره‌های والدگری مادران مطلقه واکاوی و شناسایی شود و پس از مصاحبه عمیق با شرکت‌کنندگان و کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه، به مضامین اصلی از جمله فرزند اسطوره‌ای، والد اسطوره‌ای و افسانه جدایی کم‌دردسر دست یابیم. از مجموعه مضامین اصلی به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها فرزند اسطوره‌ای بود. در تبیین چرایی اسطوره‌بودن مضمون حاضر و تربیت موفق از نظر مادران مطلقه، به‌نظر می‌رسد که آن‌ها به دلیل آنکه طلاق گرفته‌اند و بر این باورند که مهر طلاق بر پیشانی خود و فرزندان‌شان

خورده است، از طریق ابعاد تربیتی به دنبال برچسب‌زدایی از خود و فرزندانشان هستند (3: 2018, Donahey). به این صورت که اگرچه او (زن) در زندگی مشترک موفق نبوده یا نتوانسته است نقش همسر را به‌خوبی ایفا کند، توانسته است نقش مهم‌تر والدگری (مادربودن) را به‌خوبی ایفا و فرزندانی با ملاک‌های مورد قبول جامعه تربیت کند. همچنین درصدد اثبات این امر است که فرزندان طلاق هیچ تفاوتی با فرزندان عادی ندارند (111: 2021, Isaacs et al.) و آن‌ها با حضور مستمر یک والد می‌توانند به موفقیت و شایستگی دست یابند. باید به این نکته توجه داشت که اگرچه تأکید بر تربیت موفق می‌تواند موجب کسب دیدگاهی مثبت در جامعه برای فرزندان شود، اما ممکن است تمامی ابعاد تأکیدی به تربیت موفق منتج نشود و همین امر می‌تواند در والدین مطلقه ایجاد احساس شکست، نومی‌دی و ناکارآمدی کند. از سوی دیگر، مادران در ایجاد این باور که ایفای نقش مؤثر والدگری مهم‌تر از نقش همسری است، با شکست روبه‌رو خواهند شد و به‌نوعی خود را در تمامی نقش‌های زندگی ناکام می‌یابند (2290: 2026, Rubin et al.).

یکی دیگر از باورهای اسطوره‌ای که مادران مطلقه مطرح کردند، والد اسطوره‌ای بود. این مادران معتقدند فرزندانشان به‌خاطر تصمیم آن‌ها به طلاق از حضور والد دیگر محروم شده‌اند و برای جبران حضور والد غایب دست به نوعی ارتباط جبرانی و افراطی می‌زنند (Johnsen et al., 2018: 46). همین ارتباط افراطی موجب می‌شود که دامنه ارتباطات فرزندان محدود و منحصر به والد سرپرست شود. از سوی دیگر، در تبیین چرایی این اسطوره می‌توان این‌گونه پنداشت که منحصرشدن ارتباطات فرزند به والد سرپرست، این موقعیت را برای والد به‌وجود می‌آورد که از برقراری تعادل میان نقش والدگری و نقش رفاقت بازمی‌ماند و همین امر موجب تداخل وظایف و نقش‌های او در زندگی روزمره می‌شود (46: 2019, Damota). از جهتی محدودیت در ارتباطات می‌تواند مانعی اساسی برای دستیابی به اسطوره ایدئال‌گرایی اجتماعی در فرزندان شود. به این شکل که محدودیت و انحصار ارتباط با والد سرپرست موجب می‌شود که فرزندان نتوانند به آن معیارهایی که والد در باورهای خود برای تربیت موفق ترسیم کرده است، دست یابند و همین امر بیش‌ازپیش موجب احساس ناکارآمدی در والد سرپرست خواهد شد.

نکته قابل‌توجه در این باور اسطوره‌ای آن است که الزام ارتباط افراطی منحصر به رابطه مادر-فرزند نخواهد شد، بلکه به رابطه پدر-فرزند نیز تعمیم خواهد یافت. مادران بر این عقیده هستند که نقش و حضور پررنگ مادر در تربیت فرزندان کفایت می‌کند. همین امر زمینه بروز والدگری تمام‌عیار و افراطی را برای این دسته از مادران فراهم می‌کند. نکته حائز اهمیت آن است که ویژگی والدگری تمام‌عیار را می‌توان در نتیجه فشار مضاعف تک‌والدی در تربیت فرزندان دانست که در این بخش، بیشترین تأکید بر رفتار و عملکرد والدین در برخورد با فرزندان، از جمله عدم ابرازگری مفرط، هم‌زمانی نقش والدینی، تأمین مالی حداکثری، تحمل زیاد و... است. ایفاکردن بایدهای نقش والدینی بر رفتار اجتماعی والدین تأکید دارد که به‌نوعی به دنبال ایجاد یک دیدگاه ایدئال از والدین مطلقه در اجتماع است.

در تبیین چرایی اسطوره‌بودن می‌توان این‌گونه استدلال کرد که مادران مطلقه بر این باورند که به‌دلیل احساس دین به فرزند خود و همچنین نبود خانواده کامل که متشکل از حضور پدر و مادر است (476: 2007, Fischer)، آن‌ها باید به‌تنهایی تمامی نیازها و وظایف فرزندان را رفع کنند. همین باور ذهنی موجب می‌شود که مادر مطلقه از کمک سایر افراد خانواده و حتی ازدواج مجدد امتناع کند (۱۰ نفر) تا به این وسیله تصویر ایدئال یک والد مطلقه را در جامعه خدشه‌دار نکند (371: 2021, Qammar & Faizan). آخرین اسطوره والدگری به‌دست‌آمده از نگاه مادران مطلقه، افسانه جدایی کم‌دردسر بود. مادران بر این باور بودند که با تلاش و همکاری والد غیرسرپرست می‌توانند موفق به ایجاد تصویری مناسب از متغیر طلاق، علی‌رغم دیدگاه‌های مرسوم جامعه به آن در نگاه فرزندان خود شوند؛ چرا که این تصویر به‌مثابه سپر محافظتی برای فرزندان عمل می‌کند و تعارض‌ها و تنش‌های میان والدین را مخفی می‌کند. در نتیجه والدین به هدف خود که کاهش تأثیرات ناشی از طلاق است، دست می‌یابند (161: 2020, Oren & Hadomi).

۶. نتیجه‌گیری

با روند صعودی طلاق در سال‌های اخیر، طلاق را یکی از پیامدهای مهم ازدواج دانسته‌اند که این پیامد چالش‌هایی اساسی برای زنان و مردان مطلقه و به‌طور خاص والدین مطلقه به‌وجود می‌آورد که می‌توان در آن به مسائل فرزندپروری و ایفای نقش والدینی (Gass & Mortelmans, 2020: 1928; Hung, 2022: 650) اشاره کرد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد مادران مطلقه با باورهای اسطوره‌ای از جمله فرزند اسطوره‌ای، والد اسطوره‌ای و جدایی افسانه‌ای کم‌دردسر

در نظام شناختی خود مواجه هستند. این اسطوره‌ها و باورها موجب بروز رفتارهایی اجباری در والدین مطلقه خواهد شد و تمام توان و انرژی آنان صرف تربیت و زندگی فرزندان می‌شود تا به این وسیله از برچسب طلاق بر پیشانی خود و فرزندانشان جلوگیری کنند. شایان ذکر است که مادران مطلقه از این اسطوره‌ها نیز به‌عنوان معیاری برای داوری و قضاوت سایر مادران مطلقه بهره می‌برند و براساس این معیارها مادر مطلقه را به دو دسته والد خوب و بد تقسیم می‌کنند. همچنین اسطوره‌ها برای والدین مطلقه به معیاری برای سنجش احساس کفایت در والدین مطلقه تبدیل می‌شود؛ به طوری که اگر والدین برخلاف یکی از این باورها با فرزندان رفتار کند، احساس بی‌کفایتی و شکست خواهد کرد که موجب استرس و تنش فراگیر در والدین برای تحقق اسطوره‌های والدگری می‌شود. همین استرس می‌تواند مشکلات روان‌شناختی خاصی مانند افسردگی را در والدین ایجاد کند (Ardali, 2021: 108) و به‌نوبه خود موجب ناکارآمدی نقش والدینی شود؛ بنابراین شناسایی و تعدیل باورهای اسطوره‌ای والدگری والدین مطلقه می‌تواند از بروز چالش‌های متعدد در والدین مطلقه و فرزندان طلاق جلوگیری کند.

۷. پیشنهادها

یافته‌های پژوهش، علاوه بر ایجاد فهم عمیق‌تر از متغیر اسطوره‌های والدگری، در بافتی متفاوت با سایر مطالعات انجام‌شده در این زمینه، موجب کمرنگ‌شدن خلأ در مطالعات این حوزه شده است؛ چرا که در این پژوهش به جامعه آماری، از جمله مادران مطلقه پرداخته شده است. با این حال، پژوهش حاضر در تعمیم‌پذیری نتایج دارای محدودیت است. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر، جنسیت شرکت‌کنندگان حاضر در پژوهش است. بیشتر مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی را زنان تشکیل می‌دادند. از سوی دیگر، در فرایند نمونه‌گیری، امکان دسترسی به مردان تحت پوشش کمیته امداد وجود نداشت. همچنین با توجه به آنکه افراد تحت پوشش این نهاد حمایتی فقط طبقه خاص اجتماعی-اقتصادی از جامعه را تشکیل می‌دهند، تعمیم نتایج این مطالعه باید با احتیاط صورت گیرد. با توجه به محدودیت‌های مذکور، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر در نمونه مردان مطلقه دارای فرزند و همچنین در سطح اجتماعی-اقتصادی متفاوتی تکرار شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به مضامین استخراج‌شده از مطالعه حاضر و به روش‌های کمی به طراحی و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش اسطوره‌های والدگری والدین مطلقه پرداخته شود. در پژوهش‌های آتی نیز پیشنهاد می‌شود با استفاده از نتایج مطالعه حاضر، به تدوین و طراحی پروتکل درمانی برای کاهش اسطوره‌های والدگری و مهارت فرزندپروری والدین مطلقه اقدام شود.

۸. سپاسگزاری و حمایت مالی

از تمامی مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر که با اعتماد و مشارکت خود تجربه‌های ارزشمندشان را در اختیار پژوهشگران قرار دادند، قدردانی می‌شود. این مطالعه بدون حمایت مالی انجام شده است.

۹. تعارض منافع

در مقاله حاضر هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Ardali, N., Attari, Y., & Javadzadeh Shahshahani, F. (2021). Study of the Lived Experience of Divorced and Divorced Couples in Ahvaz and Development of a Divorce Prevention Education Package. *Quarterly Journal of Social Development*, 15(3), 107-140. <https://doi.org/10.22055/qjdsd.2021.35298.2310>
- Babaei, R., Mohsenzadeh, F., & Zaharakar, K. (2022). Factors Affecting the Occurrence of Divorce Ideation Among Divorce Applicants: A Grounded Theory. *Family Counseling and Psychotherapy*, 11(2), 203-236. <https://doi.org/10.22034/fcp.2022.62607>
- Balali, E., Nagdi, A., & Jafari, R. (2019). Socialization and Divorce: The Study of Divorce from the Process Perspective. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 8(1), 44-56. https://jqr1.kmu.ac.ir/article_90955.html (In Persian)
- Cajete, G. A. (2017). Children, myth and storytelling: An Indigenous perspective. *Global Studies of Childhood*, 7(2), 113-130. <https://doi.org/10.1177/2043610617703832>

- Camisasca, E., Miragoli, S., Di Blasio, P., & Feinberg, M. (2019). Co-parenting mediates the influence of marital satisfaction on child adjustment: The conditional indirect effect by parental empathy. *Journal of Child and Family Studies*, 28(2), 519-530. <https://doi.org/10.1007/s10826-018-1271-5>
- Damota, M. D. (2019). *The effect of divorce on families' life*. *Journal of Culture, Society and Development*, 46(10.7176).
- Delgado, S. V., Pedapati, E. V., & Strawn, J. R. (2022). Parenting Principles to Help Youths: Debunking Common Parenting Myths. In *Promoting the Emotional and Behavioral Success of Youths: A Practical Guide for Clinicians* (pp. 237-298). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-88075-0_8
- Dinani, P. T., Bagheri, F., & Khalatbari, J. (2020). A qualitative study of the experiences of divorced men and women on the psychological factors affecting divorce. *Journal of Psychological Science*, 19(86), 213-228. <http://psychologicalscience.ir/article-1-493-fa.html> (In Persian)
- Donahey, K. (2018). Effects of divorce on children: The importance of intervention. Intuition: The BYU Undergraduate *Journal of Psychology*, 13(1), 3. <https://scholarsarchive.byu.edu/intuition/vol13/iss1/3/>
- Firouzjaian, A. A., Sadeghi, S., Janmohammadi, V., & Lotfi, T. (2018). Meta-analysis of studies about divorce in Iran. *Journal of Woman and Family Studies*, 6(2), 111-143. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2017.15089.1438> (In Persian)
- Fischer, T. (2007). Parental divorce and children's socio-economic success: Conditional effects of parental resources prior to divorce, and gender of the child. *Sociology*, 41(3), 475-495. <https://doi.org/10.1177/0038038507076618>
- Herren, C., In-Albon, T., & Schneider, S. (2013). Beliefs regarding child anxiety and parenting competence in parents of children with separation anxiety disorder. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 44(1), 53-60. <https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2012.07.005>
- Hung, S. L. (2022). Chinese women revising meanings of marriage and divorce: Comparing women who divorced in the 1990s and 2000s. *International Social Work*, 65(4), 638-651. <https://doi.org/10.1177/0020872820920339>
- Isaacs, M. B., Leon, G., & Donohue, A. M. (2021). Who are the "normal" children of divorce? On the need to specify population. In *The divorce process* (pp. 107-119). Routledge.
- Johnsen, I. O., Litland, A. S., & Hallström, I. K. (2018). Living in two worlds—children's experiences after their parents' divorce—a qualitative study. *Journal of Pediatric Nursing*, 43, e44-e51. <https://doi.org/10.1016/j.pedn.2018.09.003>
- Juang, L. P., Qin, D. B., & Park, I. J. (2013). Deconstructing the myth of the "tiger mother": An introduction to the special issue on tiger parenting, Asian-heritage families, and child/adolescent well-being. *Asian American Journal of Psychology*, 4(1), 1. <https://psycnet.apa.org/buy/2013-10098-001>
- Karimi, S., & Shaikhi, G. (2023). Mythological Paradigms in Modern Arabic and Kurdish Poetry; A Case Study of Adonis and Sherko Bekas. *Research in Contemporary World Literature*, 28(1), 17-46. <https://doi.org/10.22059/jor.2022.330312.2202> (In Persian)
- Larson, J. H. (1988). The marriage quiz: College students' beliefs in selected myths about marriage. *Family Relations*, 3-11. <https://www.jstor.org/stable/584422>
- Loo, J. (2023). Divorce rate in the US: Geographic variation, 2022. *Family Profiles*, 23, 24. <https://doi.org/10.25035/ncfmr/fp-23-24>
- Marshall, C., & Rossman, G. B. (2014). *Designing qualitative research*. Sage publications.
- Moradi, A., & Mirzaei, M. (2023). The Lived Experience of Couples Applying for Divorce: (with an Emphasis on the Typology the Meaning of Divorce and the Role of Life Changes in the Occurrence of Divorce). *Journal of Family Research*, 19(3), 415-436. <https://doi.org/10.48308/jfr.19.3.415> (In Persian)
- Oren, D., & Hadomi, E. (2020). Let's talk divorce-an innovative way of dealing with the long-term effects of divorce through parent-child relationships. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(2), 148-167. <https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1679593>
- Pantley, E. (2007). The no-cry discipline solution: gentle ways to encourage good behavior without whining, tantrums, and tears: *Foreword by Tim Seldin*. McGraw Hill Professional.
- Parrott, L., & Parrott, L. (2006). *Saving Your Marriage Before It Starts Workbook for Women*. Zondervan.

- Zinalabedini, P., & Vahedi, H. S. (2022). Study mythanalyse and mythography of Iranian culture in identity of national animation(case study: Gordafarid and Mulan animation). *Journal of Rahpooye Honar Performing Arts*, 1(2), 53-68. <https://doi.org/10.22034/rpa.2022.249696> (In Persian)
- Petani, R., & Jurina, H. (2022). Parents' Opinion on some Myths about Parenting in the Context of their own Upbringing and Social Expectations. *The Person and the Challenges. The Journal of Theology, Education, Canon Law and Social Studies Inspired by Pope John Paul II*, 12(2), 177-199. <https://www.cceol.com/search/article-detail?id=1100955>
- Ploeg, K. A. V., Maximova, K., Kuhle, S., Simen-Kapeu, A., & Veugelers, P. J. (2012). The importance of parental beliefs and support for physical activity and body weights of children: a population-based analysis. *Canadian Journal of Public Health*, 103(4), e277-e281. <https://doi.org/10.1007/BF03404235>
- Qamar, A. H., & Faizan, H. F. (2021). Reasons, impact, and post-divorce adjustment: Lived experience of divorced women in Pakistan. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(5), 349-373. <https://doi.org/10.1080/10502556.2021.1871840>
- Rubin, S. S., Manevich, A., & Yehene, E. (2026). Continuing bonds in marriage, death and divorce: Conceptual and clinical considerations in the relationship to self and spouse. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 92(4), 2283-2299. <https://doi.org/10.1177/00302228241226471>
- Schafer, A. (2008). *Breaking the good mom myth: every mom's modern guide to getting past perfection, regaining sanity, and raising great kids*. John Wiley & Sons.
- Seydi, M. S., Nazari, S. M., & Hasani, J. (2016). Identifying parenting myths in the sociocultural context of Kermanshah province, Iran: a qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 5(2), 188-201. <https://sid.ir/paper/215592/fa> (In Persian)
- Haj Seyyed Javadi, S. K. (2012). A Survey on the Concept of MYTH in Islam's Way of Treatment: Deliberating on the Quranic Meaning of Myth's Various Features and Its Phenomenological Connotation. *Kimiya-ye-Honar*, 1(2), 121. <http://kimiahonar.ir/article-1-28-en.html> (In Persian)
- Shahryari, M. A. R. Z. I. E. H., & Navah, A. B. D. O. L. R. E. Z. A. (2022). Lived experience of women seeking separation from divorce proceedings. *Journal of Iranian Cultural Research*, 15(1), 97-120. <https://doi.org/10.22035/jicr.2022.2916.3265> (In Persian)
- Shoaa Kazemi, M., & Emrani, S. N. (2019). Parental life satisfaction based on parenting myths. *Journal of Research and Health*, 9(3), 261-267. <http://dx.doi.org/10.29252/jrh.9.3.261>
- Van Gasse, D., & Mortelmans, D. (2020). Social support in the process of household reorganization after divorce. *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(6), 1927-1944. <https://doi.org/10.1177/0265407520910268>